

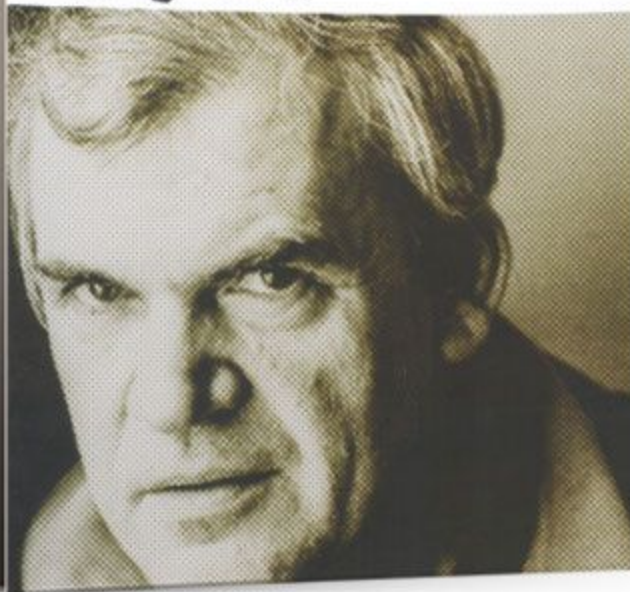
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



# بار هستی

دکتر پرویز همایون پور

میلان کوندرا



ketabTala



سلسلہ انتشارات - ۳۵۲

رمان - داستان خارجی - ۲۶

سرشناسه:	کوندرا، میلان، ۱۹۲۹ - م. Kundera, Milan
عنوان و نام پدیدآور:	پار هستی / میلان کوندرا ترجمه‌ی پرویز همایون‌پور
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲
مشخصات ظاهری:	۳۳۶ ص.
فروست:	سلسله انتشارات - ۳۵۲، رمان - داستان خارجی - ۲۶
شابک:	۹۷۸ - ۹۶۶ - ۳۶۱ - ۲۲۵ - ۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: L'insoutenable légèreté de l'être
موضوع:	داستان‌های چک - قرن ۲۰ م.
شناسه‌ی افزوده:	همایون‌پور، پرویز، ۱۳۱۸، ۱۳۹۱، مترجم
رده‌بندی کنگره:	PG ۲۷ / ۵۰۳۹ / ۹ و ۲ ۱۳۸۲
رده‌بندی دیوئی:	۸۹۱/۸۳۵۶
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۱۶۷۳۷۶۶

نشر قطره از برجسب برای تغییر قیمت استفاده نمی‌کند.

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی

(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)

و اجرای نمایش، منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

تهران، غیبان دکتر فاطمی، غیبان شیخلر، کوجه‌ی پنبشه، پلاک ۸

تلفن: ۳-۸۸۹۷۳۳۵۱

# بار هستی

میلان کوندرا

دکتر پرویز همایون پور



نشر قمیره

---

## یار هستی

میلان کوندرا

مترجم: دکتر پرویز همایون پور

صفحه آرا: ژیلایس سخن

طراح جلد: مهسا ثابت دیلمی

چاپ چهل و پنجم: زمستان ۱۴۰۱

چاپ: جباری

صحافی: یکتافر

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۱۴۰۰۰۰ تومان

## فهرست

- بخش یکم: سبکی و سنگینی ..... ۹
- بخش دوم: تن و روان ..... ۴۵
- بخش سوم: کلمه‌های نامفهوم ..... ۸۳
- بخش چهارم: تن و روان ..... ۱۳۷
- بخش پنجم: سبکی و سنگینی ..... ۱۷۵
- بخش ششم: راه‌پیمایی بزرگ ..... ۲۳۷
- بخش هفتم: لبخندِ کارنین ..... ۲۷۳
- یادداشت مترجم (بر چاپ نخست) ..... ۳۱۳
- یادداشت مترجم (بر چاپ دوم) ..... ۳۱۷
- یادداشت مترجم (بر چاپ چهارم) ..... ۳۲۱

---

بخش یکم

---

سبکی و سنگینی

---

بازگشت ابدی، اندیشه‌ای اسرارآمیز است و نیچه با این اندیشه بسیاری از فیلسوفان را متحیر ساخته است: باید تصور کرد که یک روز همه چیز، همان طور که پیش از این بوده، تکرار می‌شود و این تکرار همچنان تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت! معنای این اسطوره‌ی نامعقول چیست؟

خلاف اسطوره‌ی بازگشت ابدی این است: زندگی که به یکباره و برای همیشه تمام می‌شود و باز نخواهد گشت شباهت به سایه دارد، فاقد وزن است و از هم‌اکنون آن را باید پایان یافته دانست؛ و هرچند موحش، هرچند زیبا و هرچند باشکوه باشد، این زیبایی، این دهشت و شکوه هیچ معنایی ندارد. این‌ها درخور اعتنا نیست، همان‌طور که جنگ میان دو سرزمین آفریقایی در قرن چهاردهم هیچ چیز را در دنیا تغییر نداده است، هرچند در این جنگ سی هزار سیاه‌پوست با رنج و مصیبت و صف‌ناپذیری هلاک شده باشند.

اما اگر این جنگ میان دو سرزمین آفریقایی به دفعات بی‌شمار در حال بازگشت ابدی تکرار شود، چیزی در آن تغییر خواهد یافت؟

آری، مسلماً: در این صورت، جنگ صخره‌ای پابرجا خواهد شد و حماقتی بدون گذشت. اگر انقلاب فرانسه می‌بایست به‌گونه‌ای ابدی تکرار شود، تاریخ فرانسه کمتر به رُپسپیری مغرور بود. اما چون این تاریخ از چیزی سخن می‌گوید که دیگر تکرارشدنی نیست، «سال‌های خونین» فقط در کلمات، نظریات و مباحث خلاصه می‌شود؛ این سال‌ها از گناه سبک‌تر است و ترس برنمی‌انگیزد. میان رُپسپیری که فقط یک بار در تاریخ ظهور کرده و رُپسپیری که به‌گونه‌ای ابدی برای بریدن سر فرانسویان بازمی‌گردد، فرق بسیار است.

بنابراین، اندیشه‌ی بازگشت ابدی دورنمایی را نشان می‌دهد که در آن



هر چیز، آن طور که می‌شناسیم، به نظر نمی‌آید و همه چیز بدون کیفیت ناپایدارش ظاهر می‌شود. این کیفیت ناپایدار ما را از دادن هر حکمی بازمی‌دارد. آیا می‌توانیم آنچه را در گذر است محکوم کنیم؟ ابرهای سوخته‌ی غروب آفتاب بر همه چیز - حتی گیوتین - افسونی غم‌انگیز می‌تاباند.

چندی پیش من در وضعی قرار گرفتم که به نظرم باورنکردنی می‌رسید. کتابی درباره‌ی هیتلر را ورق می‌زدم و در برابر بعضی از عکس‌های آن دچار هیجان می‌شدم، زیرا این عکس‌ها دوران کودکی‌ام را - که زمان جنگ سپری شده بود - به خاطر می‌آورد. چندین نفر از اعضای خانواده‌ام جان خود را در اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها از دست داده بودند، ولی مرگ آنان در رابطه با عکس هیتلر چه مفهومی داشت؟ عکسی که زمانی تمام شده از زندگی‌ام را به خاطر می‌آورد - زمانی که باز نخواهد گشت.

این آشتی با هیتلر تباهی عمیق اخلاق را در دنیایی که اساساً بر عدم بازگشت بنا شده است آشکار می‌کند، زیرا در این دنیا همه چیز از قبل بخشوده شده و همه چیز در آن به طرز وقیحانه‌ای مجاز است.



اگر هر لحظه از زندگی‌مان باید دفعات بی‌شماری تکرار شود، ما همچون مسیح به صلیب و به ابدیت می‌خکوب می‌شویم. چه فکر وحشت‌آوری! در دنیای بازگشت ابدی، هر کاری بار مسئولیت تحمل‌ناپذیری را همراه دارد. و به همین دلیل نیچه اندیشه‌ی بازگشت ابدی را سنگین‌ترین بار می‌دانست.<sup>۱</sup> اگر بازگشت ابدی سنگین‌ترین بار است، زندگی ما می‌تواند با تمام سبکی تابناکش در این دورنما ظاهر شود.

بارهنسی اثر میلان کوندرا، نویسنده‌ی چک، تفکر و کاوش در بارهنسی زندگی انسان و فاجعه‌ی تنهایی او در جهان است... چگونه بارهنسی را به دوش می‌کشیم؟ آیا «سنگینی» بارهنسول‌انگیز و «سبکی» آن دلپذیر است؟...

برداشت فلسفی و زبان نازک کتاب، از همان آغاز خواننده را با مسائل بنیادی هستی‌پسریوسمرو می‌کشد و به تفکر وامی‌دارد... اگرچه شخصیت‌های کتاب واقعی نیستند، از انسان‌های واقعی، بهتر درک و احساس می‌شوند. کوندرا در توصیف فرهنگستان خود می‌نویسد: «شخصیت‌های زمانی که نوشته‌ام، امکانات خود من هستند که تحقق نیافته‌اند. بدین سبب تمام آنان را هم دوست دارم و هم هراسانم می‌کنند. آنان هر کدام از مرزی گذر کرده‌اند که من فقط آن را دور زده‌ام. آنچه مرا مجذوب می‌کند، مرزی است که از آن گذشته‌ام... مرزی که فراسوی آن خویش من وجود ندارد.»

کلود روا نویسنده‌ی مشهور فرانسوی، رمان کوندرا را «کتابی عظیم» توصیفه می‌کند که چشم به آینده‌ی بشر دارد و می‌نویسد: «در بهشت زمان نویسان بزرگ، هنری جیمز - با اندکی حسادت - رمان همکار چک را بوق می‌زند و سر را به علامت تأیید تکان می‌دهد.»

از مقدمه‌ی مترجم

